

عنوان مقاله:

سیاست های فقرزدایی با محوریت تکافل اجتماعی

محل انتشار:

دوفصلنامه دانش سیاسی، دوره 12، شماره 24 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 32

نویسندگان:

محمد رضا آرام - دانشجوی دکتری علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و عضو مرکز رشد دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

کاووس سیدامامی - استاد دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

خلاصه مقاله:

در پاسخ به این سوال که مسیولیت فقرزدایی با چه کسانی است، نخستین جوابی که به ذهن متبادر می شود دولت است. اما ناتوانی و ناکارآمدی نهادهای دولتی در بیشتر کشورهای در حال توسعه سبب می شود که مشکل فقر به قوت خود باقی بماند و در بسیاری موارد شکاف میان فقیر و غنی بیشتر شود. این پژوهش در مقام پاسخ به این پرسش است که آیا می توان با اتکا به برخی نهادهای دینی به مبارزه با فقر پرداخت و به شیوه ای موثر در مسیر فقرزدایی گام برداشت در این مقاله با تمسک به قرآن و عترت و با روش کارکردگرایی و مبنا قراردادن نظریه نیازهای انسان نشان می دهیم که تکافل و نهادهای سنتی و اصیل موجود در جوامع اسلامی، که در ورای شکاف متعارف میان مردم و دولت قرار می گیرند، می توانند به نحو مطلوبی به کاهش فقر در جامعه کمک کنند. نهادهای موضوع تکافل، از جمله خانواده، خویشاوندان، عشیره، همسایه، برادری دینی، که به مثابه لایه های حمایتی و تأمین کننده پیش از دولت عمل می کنند، به نحوی موثر می توانند در تحقق جامعه ای فقرزدایی شده یاری رسان باشند. در سیاست گذاری های توسعه، به جای اینکه تنها بر نقش رفاهی دولت و راه حل های مبتنی توانمندسازی افراد اتکا کنیم، باید بر لایه های حمایتی حفاظتی ای که فرد به طور طبیعی عضو آن هاست سرمایه گذاری نماییم

کلمات کلیدی:

سیاست گذاری، فقر، فقرزدایی، تکافل، دولت رفاهی، اسلام.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/832972>

